

همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رهنورد (استان بلخ، کشور افغانستان) - جهاد دانشگاهی استان تهران))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۱۵۲۱/۳۳۰۱

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره مقاله: ۹۵/۱۳۱ رده بندی کنفرانس: ب ۹۰۳/۷۸۵۵

واکاوی و تحلیل جامعه پذیری مدرسه ای با تاکید بر نظام آموزشی ایران

لیلی صفاریان گیلان

چکیده

جامعه پذیری یک فرایند مادام‌العمر است که طی آن هر فرد، هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری را که جامعه وی بر آنها تأکید دارد، بصورت جزئی از وجود خویش در می‌آورد به عبارتی جامعه پذیری فرایندی است که به دنبال آموزشهای عام (اعم از آموزش رسمی و غیر رسمی) به افراد بدست آمده و موجب حلول قوانین رفتاری هر جامعه و همه ی انتظارات فرهنگی آن، در کل شخصیت روانی افراد، با(توجه به مشارکت آنها در نظام آن اجتماع)، می‌گردد و این قوانین و انتظارات را بر شخصیت فرد حکم می‌کند. آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهاد های اصلی جامعه نمی‌تواند فارغ از این عرصه نو و بدون در نظر گرفتن آثار و تبعات پیشرفتهای تکنولوژیکی نوین به فعالیت سنتی خویش یعنی پرورش و انتقال عناصر فرهنگی به نسل جدید ادامه حیات دهد چراکه فناوری های نوین ارتباطی با فراهم کردن امکان پیدایش جامعه ای شبکه ای، افراد و جوامع را در قالب های جدید هویت سازی نموده اند. این امر نه تنها بر ارتباط و تعامل انسانها با یکدیگر موثر افتاده بلکه ساختارها و نهادها را نیز با چالش روبرو ساخته است. در این میان جامعه پذیری مدرسه ای نیز به عنوان یکی از مولفه ها و عملکردهای رسمی در مدارس عصری بسیار مهم در هویت بخشی، استمرار و تعمیق عناصر فرهنگی و ارزشها و هنجارهای رسمی به دانش آموزان می باشد. ورود ناخوانده ولی گریزناپذیر تکنولوژی های نوین ارتباطی از جمله موبایل به عرصه فرهنگ و آموزش و پرورش علی رغم استفاده های تکنیکی و... از آنها چالش هایی را پیش روی کارگزاران عرصه انتقال فرهنگی و متصدیان امر جامعه پذیری در مدارس گذاشته که حل این مسئله مستلزم پژوهش هایی تجربی و کارشناسانه است.

واژگان کلیدی: مدرسه، نظام آموزشی، آموزش و پرورش، جامعه پذیری، آموز، جامعه

بخش اول: کلیات

فرهنگ علوم اجتماعی، اجتماعی شدن یا Socialization را چنین توصیف می کند الف) مراد از اجتماعی شدن در روانشناسی اجتماعی فرایندی است که به وسیله آن یک فرد می آموزد که از طریق فراگرفتن رفتاری اجتماعی که مورد تایید گروه باشد، خود را با آن گروه انطباق دهد ب) اصطلاح اجتماعی شدن را در اصل روانشناسان اجتماعی، جامعه شناسان و پژوهندگان رشد کودک به کار برده اند: همه ی کودکانی که استعدادهایشان... زیاد محدود نیست در برهم کنش اجتماعی شرکت می جویند و سرانجام الگوهای رفتار اجتماعی را کسب می کنند. فرایندی که به اجتماعی شدن معروف است در اصل فرایندی مربوط به یادگیری است. (نیوکم ۹۸). ج) تفاوت های موجود در مفهوم اصطلاح اجتماعی شدن تا حد سازوکارهایی که اجتماعی شدن از طریق آنها حاصل می شود نیز گسترده است. تالکوت پارسونز و ر.ف. بیلز، پس از یادآوری این نکته که «کانون اصلی اجتماعی شدن در فرایند نهادی شدن فرهنگ جامعه ای است که کودک در آن متولد می شود اشاره می کنند که جنبه های قاطع فرهنگ برای این منظور الگوهای ارزشی جامعه اند و شرایط موثر برای اجتماعی شدن قرار گرفتن در وضعی اجتماعی است که خود اشخاص قدرتمندتر و مسئول تر در نظام ارزش فرهنگی مورد بحث در آن ادغام می شوند، هم از این لحاظ که همراه بچه ها نظام اجتماعی نهادی شده ای را تشکیل می دهند و هم از این نظر که الگوها قبلاً" به شیوه ای مناسب در شخصیت خود آنها نهادی شده است.» (بهشتی ۸۷) اصطلاح اجتماعی شدن عموماً" در ارتباط با کودکان به کار برده می شود، اما این فرایند در واقع عام است و به همین لحاظ بر بزرگسالان نیز قابل اطلاق است. شخص ممکن است در هر سنی با گروه های تازه آشنا شود و ارزشهای آنان را کسب کند.

بند اول: تفاوت تربیت با جامعه پذیری

عده ای جامعه پذیری را همان تربیت دانسته اند ولی در این دو مقوله وجوه افتراقی وجود دارد که در زیر بیان می شود:

تربیت یک فرصت است؛ در صورتی که جامعه پذیری یک فرآیند دائمی است که در اثر کنش متقابل اجتماعی ایجاد می شود (همین که فرد در جامعه زندگی کند در این فرآیند قرار می گیرد) شاخص های تربیت فردی، یک طرفه و نوعی ادای دین به جامعه است؛ اما جامعه پذیری انتقال جامعه به درون فرد است. تربیت برای یک زندگی بهتر و بارفاه بیشتر یک مقدمه است؛ اما جامعه پذیری متن زندگی است که از ابتدای تولد شروع و تا پایان عمر با فرد ادامه می یابد. تقریباً شاخص های تربیت در تمام جوامع یکسان اند، به همین علت، می توان آموزش را با شاخص هایی که به اجماع رسیده اند، ارزیابی کرد. اما جامعه پذیری به دلیل تفاوت جوامع ممکن است متفاوت باشد. تربیت در انواع تربیت بدنی، تربیت دینی، تربیت استثنائی و... ملاحظه می شود اما جامعه پذیری دو شکل رسمی و غیررسمی دارد. (ریاضی، ۸۹) بنابراین جامعه پذیری یک فرآیند بوده و این فرآیند، اجتماعی است؛ یعنی در برقراری کنش متقابل با دیگران به ظهور می رسد. در عین حال، مستمر و دائمی است، به گونه ای که از ابتدای تولد تا پایان عمر ادامه دارد. طی این فرآیند، مهارت های زندگی و حرفه ای درونی می شوند و افراد طی آن، برای عملکرد به عنوان یک فرد اجتماعی، آماده و با ارزش ها و الگوها و شاخص های فرهنگی آشنا می شوند. جامعه پذیری با توجه به پیچیده بودن و چند بعدی بودن آن، در رشته های مختلف علوم انسانی و از دیدگاه ها و زوایای مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. روانشناسی، جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی و انسان شناسی فرهنگی نیز هر یک از دیدگاه خود جامعه پذیری را مورد کنکاش و مطالعه قرار داده اند. به طور کلی می توان گفت که کمتر پژوهشگری در رشته های مختلف علوم انسانی می توان یافت که یا به صورت مستقیم به امر جامعه پذیری نپرداخته و یا به صورت غیر

مستقیم در پرداختن به امر آموزش و پرورش بی توجه به این موضوع بوده باشد. برای مثال چارلز کولی بحث "درونی کردن ارزش‌ها را مورد مطالعه خود قرار می‌دهد که این امر بخشی از عناصر محتوای جامعه‌پذیری است (کوزر، ۱۳۷۲: ۴۱۵) در واقع برای بحث دقیق پیرامون جامعه‌پذیری به قول ژاک آردوآن روانشناس اجتماعی فرانسوی یک نگاه بین رشته‌ای یا Multi-disciplinary نیاز است تا همه ابعاد و زوایای این موضوع مهم، کالبد شکافی بشود (۱۹۹۴). از این رو، ماندن در چارچوب یک رشته و در چارچوب یک نظریه خاص، کاری ناکافی و چه بسا خطا می‌باشد. بنابراین، در این بخش سعی شده است در یک رویکرد بین رشته‌ای به جامعه‌پذیری توجه بشود. ضمن اینکه، زاویه دید بررسی این موضوع در حوزه‌ی جامعه‌شناسی سنگین تر و قوی تر از بقیه دیدگاه‌ها است و در توضیح مطالب هم از روانشناسی اجتماعی و هم از انسان‌شناسی فرهنگی نیز بهره‌برده ایم. بعضاً سوالی مطرح است و آن اینکه آیا عموماً خصوصیت‌های خلقی و رفتاری والدین به صورت ارثی قابل انتقال است یا تحت تأثیر عوامل اجتماعی دیگری قرار می‌گیرد؟ بدیهی است که انتقال خصوصیت‌های جسمی و ظاهری انسان از طریق وراثت به صورت کامل صورت می‌پذیرد البته اگر انتقال به صورت ژنهای بارز باشد نه مستور در این صورت شکل ظاهری بدن ما به والدین مان شباهت پیدا خواهد کرد، در حالی که رفتار اجتماعی ما به شرایط فرهنگی، پرورشی و اجتماعی بستگی دارد و در انسان ابتدایی و ناآگاه تا حدودی به غرایز آن‌ها مربوط می‌شده، هر قدر از گذشته به عصر حاضر نزدیکتر شویم تفاوت در رفتار و معیارهای ارزش والدین و فرزندان بیشتر میشود چون مسئولیت آموزش و پرورش به مؤسسه‌هایی غیر از خانواده سپرده میشود، در حالی که در گذشته خصوصیت‌های پرورشی انسان در خانواده شکل میگرفت و انجام میپذیرفت. شباهت رفتار والدین و فرزندان به نسبت و میزان ارتباط و تماس مستقیم آن‌ها بستگی دارد. چون در عصر حاضر تماس بین آن‌ها بعد از پنج سالگی کمتر است شباهت رفتاری آن‌ها نیز کمتر خواهد بود. (فصلنامه تربیت. شماره زمستان ۱۳۸۳) بعضی غریزه را در نوع رفتار انسان مؤثر دانسته اند و گفته اند، غریزه عامل یا

میکانیزم ثابت و تغییرناپذیر است که در زندگی اجتماعی انسان و حیواناتی چون زنبور عسل، مورچه گان و گوزنهای قطبی و اسبهای وحشی به آسانی دیده میشود؛ مثلاً، شکل لانه سازی زنبور عسل هزاران سال است که ثابت بوده و تغییری نکرده است در حالی که در انسان غریزه یا انگیزش، طی میلیونها سال ضعیف شده و تغییر کرده است. (همان) نسبت این تغییر با گسترش نظام آموزش و پرورش در جوامع بستگی دارد. بدین معنی که هر قدر تربیت پیشرفت کرده از اهمیت غریزه در انسان کاسته شده است و ما این تغییر را در دگرگونی اندیشه و تفکر انسان، نوع سازگاری او با محیط طبیعی و اجتماعی، وضع خانه سازی و سکونت او و حتی روابط زناشویی ملاحظه میکنیم. بنابراین غریزه به عنوان عامل ثابت و قابل آموزش در تشکیل اجتماع انسانی و هم چنین عاملی برای بیان چگونگی رفتار اجتماعی انسان نمیشد چون انسان از لحظه تولد تا دم مرگ در رفتار و کردارش تغییر حاصل میشود و نوع تغییر به نوع جامعه و تحول پذیری آن بسته دارد. هر قدر جامعه پویاتر باشد نسبت تغییر پذیری در انسان بیشتر است و هر قدر ایستاتر باشد نسبت تغییر پذیرش کمتر است. (همان) این مهم از این امر ناشی می شود که انسان در لحظه تولد فرد است، ولی بعد از تولد با گذشت زمان در اثر برخورد با اعضای خانواده و افراد خارج از خانواده برای خود در اجتماع موقعیتی کسب میکند و امکانهایی به دست می آورد که نوع این موقعیت و امکانه در خانواده و اجتماع یکسان نیست و این تأثیر پذیری از خانواده و محیط اجتماعی در تشکیل شخصیت اجتماعی فرد تأثیر مستقیم دارد. بنابراین از این بحث میتوان چنین نتیجه گرفت که تشکیل شخصیت اجتماعی انسان به خصوصیهای فردی، غریزی و زیستی او بستگی ندارد و تنها خصوصیهای جسمی او چون (اندازه قد، رنگ پوست و مو و چشمان، نوع صدا و امثال آن است) که از طریق ژنها از والدین به کودک منتقل میشود. در حالیکه خصوصیهای اجتماعی چون اکتسابیست مانند خصوصیهای جسمی از طریق غرایز و یا ژن قابل انتقال نمیشد پس باید گفت خصوصیهای اجتماعی هر فرد نتیجه محیط پرورشی و سازمانهای اجتماع است که فرد به آن وابسته می باشد. اگر به اطراف خود دقت کرده باشیم می

بینیم که کودکان و نوزادان سالم در آغاز تولد هیچ گونه تفاوت رفتاری باهم ندارند خصوصاً اگر از نظر تغذیه در دوران جنینی نیز مشابه هم باشند، ولی اگر در جامعه‌های متفاوت پرورش یابند تغییر رفتار خواهند داد. محیط پرورشی کودکان در میزان به کار بردن هوش آن‌ها یعنی قدرت و توانایی سازگاری شان با محیط مؤثر خواهند بود، پس عامل ژن و یا غرایز گویای دگرگونی رفتارها نیست و علت تفاوت رفتار افراد در این است که بچه‌ها در شرایط اجتماعی متفاوت و پایگاه‌های اقتصادی مختلف به دنیا آمده‌اند و عوامل پرورشی نامساعد مثل مؤسسات آموزشی متفاوت و برخوردها و سیره‌های والدین با یک دیگر و با فرزندان و هم چنین شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی آن‌ها بستگی دارد. (هنری ماسن و همکاران: ۱۳۶۸، ص ۷) از نتایج تحقیقات محققان چنین بر می‌آید که عامل نژادی تأثیری مستقیم در رفتار افراد ندارد و اختلاف نژادی نمیتواند دلیلی برای پیشرفتهای یک گروه، یا اختلاف و تفاوت‌های اجتماعی و تجاوز به حقوق گروه دیگر باشد. (شاهد مثال این قضیه پیشرفتهای مختلف سیاهان در جوامع غربی و در عرصه‌های مختلف زندگی می‌باشد). البته محیط طبیعی در خصوصیت‌های جسمی مؤثر است زیرا انسانها و جانوران برای ادامه زندگی ناچار اند با طبیعت سازگار باشند. تیرگی رنگ و تنگ بودن منافذ بدن در انسانهای استوایی و تفاوتی که خرس‌های قطبی و استوایی دارند بر اثر سازگاری با محیط طبیعیست، هر قدر جامعه ابتدایی تر باشد تسلط طبیعت بر این جوامع بیشتر است ولی در جوامع متمدن، جامعه با وجود همبستگی با محیط طبیعی تقریباً از آن مستقل است زیرا افراد بشر قادر اند خود را دور از تأثیر مستقیم شرایط محیط طبیعی نگهدارند. در عصر حاضر تسلط انسان مجهز به سلاح علم بر طبیعت روز به روز بیشتر میگردد. تحقیقات علمی ثابت کرده که حتی میتوان خصوصیت‌های جسمی را نیز بواسطه اختلاط و ترکیب نژادها تغییر داد. مثلاً، خصوصیت‌های جسمی فرزند نسل چهارم که از ازدواج با افرادی غیر از نژاد خودشان در طی چهار نسل به وجود می‌آید با نسل اول کاملاً تفاوت دارد. (ژنتیک سوم دبیرستان) در حالی که میتوان خصوصیت‌های جسمی را تغییر داد، پس چگونه میتوان گفت، نمیتوان رفتارهای اجتماعی را عوض کرد؟

بدیهیست که شرایط محیط اجتماعی، فرهنگی و از همه مهمتر اخلاقی در تغییر رفتار بیشترین اثرات را دارد. در این راستا کیفیت سازمان بدنی افراد گویای چگونگی رفتار آن ها نبوده و خصوصیات جسمانی دلیلی بر پیشرفت و یا عدم پیشرفت نیست. بلکه پیشرفت و یا عدم پیشرفت اقوام و گروههای مردم به شرایط اجتماعی، اقتصادی و آموزشی آن ها بستگی دارد. بع اذعان اکثر محققان، امروزه دیگر این عوامل اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی هستند که نوع زندگی مردم و رفتار آن ها را تعیین میکنند نه خصوصیت های جسمی و نژادی آنان. (بهشتی ۸۷) نباید فراموش کرد که مفهوم جامعه پذیری و یا اجتماعی شدن انسان از گذشته تا کنون تغییراتی بخود دیده و این تغییرات به نوبه خود تحت تاثیر شرایط و عوامل اجتماعی عمده ای صورت گرفته است. برخی از تحولات اجتماعی سطح کلان که در تغییر دادن نوع نگاه ها به مساله جامعه پذیری نقش داشته اند به اجمال به شرح زیرند:

۱- تحولات پس از جنگ جهانی دوم، توجه سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل متحد و کمیسیون های متعدد آن به مقوله آسیب پذیران جنگ بویژه زنان و کودکان، کودکان آسیب دیده، سوء استفاده نظامی از کودکان در جنگ، قاچاق کودکان برای فروش در بازار کار و حتی فروش اعضای بدن، پدیده کودکان خیابانی و بی سرپرست و ...

۲- رشد جنبش های مدنی زنان و فمینیسم در بین فعالان حقوق بشر و عدالت خواه و توجه آنان به نهاد خانواده، روابط همسری و زناشویی، مقوله آموزش و تربیت کودک، ازدواج و طلاق، آسیب شناسی خانواده و در نهایت مقوله کودک و کودکی و توجه ویژه به مادری و زنانگی

۳- حضور بیش از پیش زنان در حوزه های مختلف جامعه شناسی بویژه در غرب و طرح و پیگیری مسائل و کودکان و بررسی و نقد نظریه های جامعه شناسی در این خصوص و انجام

پژوهش ها و مطالعات مرتبط. به تعبیر کورسارو توجه جامعه شناسان به سایر گروه های تحت سلطه نظیر زنان و اقلیت ها نیز سبب عطف توجه به کودکان گردید.

۴- رشد و توسعه دولت و جامعه رفاه و افزایش خدمات و تامین اجتماعی و بهداشت و درمان از یکسو و کاهش نرخ مرگ و میر اطفال و افزایش متوسط طول عمر و امید به زندگی از سوی دیگر، جوامع مدرن بویژه جوامع اروپای شمالی و غربی و آمریکای شمالی را با کاهش نرخ زاد و ولد روبرو ساخت. همزمان با این امر پدیده سالخوردگی به یکی از مسائل عمده جمعیتی و اجتماعی این جوامع مبدل شد. همچنین با توجه به نرخ رشد منفی و یا بسیار اندک جمعیت در این جوامع، مسئله پویایی و ادامه حیات و بقای این جوامع انسانی در صدر توجه قرار گرفته و لذا کودکان و نحوه تربیت و اجتماعی کردن آنها بعنوان سرمایه های انسانی و فرهنگی هر جامعه در کانون توجه قرار گرفت.

۵- افزایش خدمات بهداشتی در ممالک در حال توسعه و کاهش نسبی مرگ و میر کودکان در برخی از ممالک فقیر نیز سبب ساز افزایش جمعیت خردسال و عریض شدن قاعده هرم جمعیتی این جوامع گردید. همزمان با آن با رشد نرخ مهاجرت بر اثر فقر، کاریابی، بلایای طبیعی، و مصائب اجتماعی نظیر جنگ و کشتارهای جمعی زمینه خروج گسترده کودکان از جغرافیای نا امن جوامع فقیر و در حال توسعه به جوامع توسعه یافته و امن تری برای کودکان و تشدید توجه به این مسئله را فراهم ساخت.

۶- تحولات ساختار خانواده نیز از دیگر مواردی است که زمینه ساز رشد توجه به مقوله کودکی گردید. بطوریکه خانواده با کنده شدن از وابستگی به زمین، از شکل گسترده اش با حضور پدر و مادر، عروس و پسران و نوه ها، مادر و پدر بزرگ والدین و ... به شکل هسته ای ظاهر شده و تغییر ساخت و کارکرد داد. در خانواده هسته ای عمدتاً والدین و فرزندان زندگی می کنند که این وضعیت در ارتباط مستقیم با توسعه سرمایه داری، فناوری، توسعه شهرها، تنوع مشاغل خدماتی و اجتماعی بود. در این ساختار کودکان نقش محوری تری در نگاه والدین داشته و بیشتر مورد توجه قرار می گیرند. به بیان دیگر بجای پیر سالاری، خرد سالاری اهمیت میابد. در این میان

حضور بیش از پیش زنان در بازار کار و ضرورت نگهداری از کودکان توسط نهادهای جایگزین نقش مادری مانند مهد کودک، مدارس، مراکز بازی و تفریحی، مقوله کودکی و نحوه تربیت و جامعه پذیری کودک و نوجوان را بیش از پیش در مرکز توجه قرار داد.

۷- همچنین باید به این امر نیز اشاره کرد که رشد و توسعه آمار کودکان متولد شده در خارج از ازدواج و وقوع بی سرپرستی این کودکان، سبب ساز اولویت بیشتر دادن به مقوله کودکی گردید. اولریخ بک معتقد است با تحولات ناشی از جامعه مدرن و مدرنیته در مرحله دوم آن، فردیت سازی در برابر جهانی سازی چنان روبه گسترش نهاده است که در ساختار خانواده، این کودکان و نه والدین هستند که در انتخاب پدر، مادر، خواهر و برادر خود نیز اختیار عمل دارند. بویژه در خانواده های دست دوم که هر یک از والدین کودک از ازدواج های قبلی خود دارای فرزندان هستند که شبکه جدیدی از خانواده را تشکیل می دهند! (بک، ۱۳۸۵).

۸- آینده شناسی و توسعه دانش فرافکنی و پیش بینی علمی تحولات علمی و اجتماعی نیز از دیگر علوم راهبردی است که از سوی بسیاری از نهاد های قدرت و صاحبان ثروت برای تخمین میزان و تضمین نظم، ثبات و تحولات بازار و مناسبات مرتبط با آن سرعت در چند دهه اخیر روبه رشد نهاده است. در این میان مسئله شناسی آینده در رشته هایی مانند جامعه شناسی نیز سبب توجه به مقولاتی شد که می توانست در آینده فاکتور تاثیر گذاری محسوب شود. یکی از این مقولات پرداختن به مقوله کودکی و نحوه اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان برای روبرو شدن با آینده پرشتاب و تغییرمی باشد..

۹- توسعه وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژیهای ارتباطاتی اطلاعاتی که دسترسی سهل و همه جایی را برای جوامع و افراد فراهم آورده، باعث شکسته شدن مفاهیم زمان و مکان و گسترده

محققان، تکنولوژیهای نوین نیز بنوبه خود یکی دیگر از عوامل مهم و تاثیرگذار بر تامل و اندیشه بیشتر پیرامون مفهوم جامعه پذیری کودکان و نوجوانان می باشد (بهشتی پور ۸۸)

بند دوم: بررسی و شناخت جامعه پذیری در عصر جدید

امروزه آنچه که در ادبیات جامعه شناسی به عنوان اخلاق اجتماعی شناخته می شود و بیشتر مبتنی بر مباحث روانشناسی می باشد، همان چیزی است که تحت عنوان جامعه پذیری (Socialization) در فرآیند درونی شدن عقاید، ارزش ها و هنجارها و یگانگی فرد با فرهنگ و جامعه از آن بحث می شود و به طور خلاصه در بحث از فرهنگ، اخلاق اجتماعی به عنوان ارزشها و قواعد رفتار در جامعه، موضوع بررسی قرار می گیرد. لذا این قواعد رفتار، مجموعه ای از عقاید، ارزشها و هنجارهایی هستند که نسبت به فرد، اموری بیرونی و مستقل تلقی می شوند و در جریان جامعه پذیری برای او درونی می شوند و به صورت جزئی از شخصیت او در می آیند (رجب زاده، ۱۳۷۶: ۶۴) و در نهایت رفتار فرد را در جامعه تعیین می کنند و به عنوان اخلاق اجتماعی محسوب می شوند. بر اساس تعریف فوق اخلاق اجتماعی جوانان، حوزه ای از فرهنگ عمومی یک جامعه را تشکیل می دهد که شامل عقاید، ارزشها و هنجارهای اجتماعی قشر جوان جامعه می گردد. فرهنگ عمومی خود عبارت است از مجموعه پاسخ هایی که هر جامعه برای مسائل گوناگونش پیدا می کند که مبتنی بر تجربه نسل های گذشته است و یا از طریق دستیابی به توانایی ها و ذخیره های تازه، حاصل آمده است (اسدی، ۱۳۷۶: ۱۶) در تعریفی ساده تر، فرهنگ عمومی عبارت است از اندیشه ها و معرفت مشترک یک جامعه که تحت تاثیر عناصر مختلفی نظیر جهان بینی، ارزشها، گرایشها، کنشها، نمادها، و تکنولوژی واقع می گردد (افروغ، ۱۳۷۷: ۴) اخلاق اجتماعی به عنوان بخشی از فرهنگ عمومی از طریق سه مکانیزم: یادگیری، فرهنگ پذیری و جامعه پذیری انتقال می یابد. در نتیجه انتقال اخلاق اجتماعی و

فرهنگ عمومی، الگوهای رفتاری که ممکن است ادراکی، احساسی و عملی (رفتاری) باشند، در ذهن افراد حک می شوند.

بخش دوم: فاکتورها، عوامل و کارگزاران جامعه پذیری

فرآیند انتقال اخلاق اجتماعی، در برگیرنده تاثیرات متفاوتی است که در طول زندگی بر فرد وارد می شود. مهمترین این تاثیرات عبارت است از تاثیر عوامل (کارگزاران) جامعه پذیری یعنی افراد، گروهها و نهادهای مهمی که وضعیت های ساختی را فراهم می سازند تا فرآیند جامعه پذیری در درون آنها رخ دهد. در جهان امروز چهار عامل جامعه پذیری از اهمیت بالایی برخوردارند و بطور مداوم و موثر بر کسی تاثیر می گذارند. این چهار عامل عبارتند از: خانواده، مدرسه، گروه همسالان و وسایل ارتباط جمعی.

خانواده: خانواده بدون شک یکی از مهمترین عوامل جامعه پذیری در همه جوامع است و خانواده مسوولیت اصلی اجتماعی کردن کودکان را در سال های اولیه و حیاتی زندگی به عهده دارد. خانواده جایی است که کودکان نخستین وابستگیهای عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در آن برقرار می سازند، زبان یاد می گیرند و ارزشها و هنجارهای فرهنگی را درونی می کنند. کودکان تجربه اجتماعی محدودی نسبت به خانوادهها دارند و بنابراین فاقد هر گونه مبنایی برای مقایسه و ارزشیابی چیزهایی که از اعضای خانواده آموخته اند، هستند. بخش مهمی از جامعه پذیری که در خانواده رخ می دهد عمدی و آگاهانه است ولی بخش زیادی از آن نیز کاملاً ناخودآگاه است. برای مثال والدینی که با کودکانشان بدرفتاری می کنند غالباً والدین خودشان با آنان بدرفتاری کرده اند و احتمال بیشتری دارد که کودکان اینها نیز والدین بدرفتار و پرخاشگری شوند. به همین ترتیب می توان گفت که ویژگیهای شخصیتی از نسلی به نسل

بعدی منتقل می شود. از لحظه تولد، کودکان در هر یک از خرده فرهنگهای نژاد، طبقه، قومیت، مذهب و منطقه از پایگاه محولی (غیراقتصادی) برخوردارند. برای مثال، ارزشها و انتظاراتی که

کودکان می آموزند تا حد بسیار زیادی به طبقه اجتماعی والدینشان بستگی دارد. مطالعات ملوین کوهن نشان می دهد که والدین طبقه کارگر و طبقه متوسط، کودکان خود را به شیوه های مختلف تربیت می کنند. والدین طبقه کارگر ارزش بیشتری به همنوایی با معیارهای سنتی رفتار می دهند در حالی که والدین طبقه متوسط ارزش بیشتری به کنجکاوی یا ابتکار می دهند. بدین ترتیب، والدین کودکان خود را برای آن قسمت از دنیای اجتماعی که بهتر می شناسند، اجتماعی می کنند و با انجام این امر آنان یک نظام طبقه ای را در نسل بعد به وجود می آورند. تا حدودی به علت این چنین تاثیراتی است که زمینه طبقه اجتماعی کودک عامل خوبی برای پیشگویی هوش، موفقیت های تحصیلی و پایگاه نهایی اجتماعی - طبقاتی آن کودک است.

مدرسه: استمرار و بقای هر جامعه ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانش ها و مهارت های آن به نسل های جدید منتقل شود. ساز و کار mechanism یا وسیله این انتقال، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با جامعه پذیری است، یعنی، فراگردی که افراد از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و بطور کلی، فرهنگ جامعه خود می پردازند. (علاقه بند ۲۶) به معنی اخص، جامعه پذیری، فراگردی است که افراد به واسطه آن در وضعیت های اجتماعی سازمان یافته، در معرض آموزش منظم دانشها، مهارتها، رفتارها و گرایش های معین قرار می گیرند. در هر جامعه، این وضعیتها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمان های رسمی آن تشکیل می یابند. مدرسه عامل یا کارگزاری است که رسماً توسط جامعه موظف به اجتماعی کردن نوجوانان در زمینه مهارت ها و ارزش های خاصی شده است. در مجموعه مدرسه، نوجوان برای اولین بار تحت نظارت مستقیم کسانی که خویشان او نیستند، قرار می گیرد. مشارکت در زندگی مدرسه همچنین وابستگی و اتکای کودکان را به خانواده کاهش می دهد و ارتباطات جدیدی با جامعه بزرگتر که ورای خانواده قرار دارد، ایجاد می کند. اولین وظیفه مدارس عبارت است از اجتماعی کردن کودکان در زمینه

مهارت های شناختی از قبیل خواندن یا حساب کردن و فراهم کردن معلومات درباره موضوعات گوناگون که ممکن است در خانواده فراهم نباشد. همچنین مدارس در هر جامعه، ارزش ها را به صورت درست به کودکان تلقین می کنند. مدرسه به عنوان عامل اجتماعی ساختن، بر اساس قواعدی که انتظار می رود هر فرد از آن تبعیت کند سازمان یافته است و در حالی که خانواده در جوامع ابتدایی مسوول مستقیم اجتماعی ساختن نخستین دوران کودکی است، در جوامع پیشرفته این مسوولیت به سازمانهای رسمی مانند مدرسه واگذار شده است. در جوامع جدید، مفهوم آموزش و پرورش و کارکردهای آن دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. نیازهای گوناگون زندگی، انواع نوین آموزش و پرورش را طلب می کنند. شیوه های زندگی از نسلی به نسلی، تجدید شکل پیدا می کنند. ولی این تجدید شکل، همواره با تجارب بیشتر و انگاره های پیچیده تری همراه است. در جامعه پیچیده متمدن، با گسترش شهرنشینی، توسعه صنعتی، دگرگون شدن ساختارها و کارکردهای سیاسی و اقتصادی، عواملی مثل خانواده که در گذشته بار تعهدات تربیتی را عهده دار بودند، دیگر اقتدار و نفوذ کافی برای ایفای وظایف پیچیده آموزشی و پرورشی ندارند. با پیچیده تر شدن جامعه، آموزش و پرورش بطور روزافزونی، به صورت ابزار بازسازی فرد و جامعه در می آید. در نتیجه، شهروندانی که خواستار اشتغال به کار و خدمت در جامعه و خواهان برخورداری از مزایای زندگی اجتماعی می باشند، مجبورند سالیان نسبتاً قابل ملاحظه ای از عمر خود را در مراکز آموزش و پرورش رسمی بگذرانند.

گروه همسالان: همچنان که کودکان بزرگتر می شوند، وقت بیشتر و بیشتری را در معاشرت با همسالان خود می گذرانند. کسانی که از لحاظ سنی و خصوصیات اجتماعی دیگر با آنها کاملاً برابر هستند، همزمان با افزایش تاثیر گروه همسالان، تاثیر والدین کاهش می یابد. کاهش تاثیر والدین به ویژه در جوامع نوین صنعتی یعنی جایی که بسیاری از والدین دور از خانه کار می کنند بیشتر است. تاثیر گروه همسالان هنگام بلوغ به اوج خود می رسد یعنی زمانی که جوانان

آماده تشکیل یک خرده فرهنگی متمایز از سلیقه‌ها، فعالیت‌های اوقات فراغت، پوشش، زبان مخصوص، نمادها، ارزش‌ها و قهرمانی‌های خاص خود است. در این هنگام کسب محبوبیت و مورد پسند واقع شدن یکی از اهداف مهم نوجوانان می‌شود و پذیرش ارزش‌های گروه همسالان به طور وسیعی به پذیرش فرد در آن گروه کمک می‌کند. اگرچه گروه همسالان تاثیر زیادی در زمینه سبک‌های آتی و زودگذر زندگی مانند علاقه‌های موسیقی یا فعالیت‌های اوقات فراغت دارد، لیکن ارزش‌های یادگرفته شده در خانواده در زمینه مذهب، سیاست، آموزش و اهداف شغلی معمولاً تاثیر دراز مدت تری دارند.

وسائل ارتباط جمعی: وسایل ارتباط جمعی، وسایل گوناگون ارتباطی هستند که بخش وسیعی از مخاطبین را بدون هیچ گونه ارتباط شخصی بین فرستندگان و گیرندگان پیامها، فرا می‌گیرد از قبیل روزنامه‌ها، مجلات، کتابها، تلویزیون، رادیو، سینما، ویدئو، ماهواره و انواع سی دی‌ها و موبایل و اینترنت و.... نکته قابل توجه این است که رسانه‌های جمعی، هم می‌توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت کنند و هم آنها را آشفته سازند بدین معنی که هر آنچه پخش یا نشر می‌کنند، انعکاس واقعیات و حقایق جامعه جلوه دهند.

بخش سوم: نگاهی به دیدگاه‌های نظری تاثیر وسایل ارتباط جمعی بر جامعه پذیری

دیدگاه افراطی پیرامون تاثیر وسایل ارتباط جمعی: طبق نظرات طرفداران این دیدگاه، وسایل ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی هستند که می‌توانند نسلی تازه برای اولین بار در تاریخ انسان پدید آورند. نسلی که با نسل‌های پیشین بسیار متفاوت است. طرفداران این دیدگاه قدرت رادیو را با بمب اتمی مقایسه می‌کنند که از آنها می‌توان در راه خیر یا شر با تاثیر شگرف سود برد (ساورخانی، ۱۳۶۸: ۸۴). در این باره می‌نویسد: این اندیشه در نظر مردم رواج یافته و وسایل ارتباط جمعی قدرتی فوق تصور دارند و می‌توانند افکار فلسفی و سیاسی را منقلب

نموده، شکل تازه ای به آن بخشند و به اختیار تمامی رفتارها را هدایت نمایند). کازنو، (۴۵:۱۳۶۵) این عده بر ساز و کارهایی چون هدایت از راه دور (Telekinesis)، آدمک سازی (Robotism)، اثر بلع و بویژه تاثیر بازتابهای شرطی تاکید می کنند و معتقدند که درونی کردن (Internalization) هنجارها، موجبات آشتی انسان را با خواست جامع فراهم می آورد. در این صورت انسان ها خود به عنوان عاملی در راه حراست از موارث، هنجارها و قوانین جامعه تجلی می کنند و وسایل ارتباط جمعی ابزاری سریع، قدرتمند و موثر در راه تامین این منظور هستند). (ساروخانی، ۸۶:۱۳۶۸) دیدگاه تفریطی پیرامون تاثیر وسایل ارتباط جمعی: طبق نظرات طرفداران این دیدگاه وسایل ارتباط جمعی تاثیر چندانی بر مخاطبین خود ندارند و دیگر «دوران سب» «سلطه (وسایل ارتباطی و با آن دوران رواج عقاید تند و اسناد اثرات جادویی و خارق العاده به وسایل ارتباط جمعی پایان یافته است. این عده معتقدند که وسایل ارتباط جمعی علیرغم تکنولوژی برتری که از آن استفاده می کنند، با موانع بسیاری در راه اثر گذاری بر دیگران مواجهند (ساروخانی، ۸۵:۱۳۶۸) دیدگاه بینابینی پیرامون تاثیر وسایل ارتباط جمعی: در مقابل این دو دیدگاه افراطی و تفریطی، دیدگاه سوم که بینابینی می باشد نظر بر این دارد که باید پذیرفت که وسایل ارتباط جمعی، ابزاری اجتماعی-فرهنگی به معنی عالی آن هستند و از این جهت اثرات چشمگیری بر جای می گذارند، اما این آثار نه آنچنان است که هیچ محدودیتی را نشانند (دیدگاه افراطی) یا آنکه چنان ناچیز است که هیچ اعتنایی را شایسته نباشد (دیدگاه تفریطی) بلکه باید دید حدود تاثیر این وسایل چیست و در چه شرایطی این تاثیرات محدودیت می یابند و یا تقویت می شوند (ساروخانی، ۸۶:۱۳۶۸) به نظر می رسد دیدگاه سوم واقع بینانه تر باشد ضمن اینکه نتایج تحقیقات انجام شده نیز موید همین دیدگاه است. «لازار سفلد» در تبیین این دیدگاه ها می نویسد: بسیاری تحت تاثیر همه جایی بودن وسایل ارتباط جمعی و قدرت بالقوه ی آنان به سختی هراسان شده اند. در سمپوزیوم، یکی از شرکت کنندگان نوشت: قدرت رادیو را می توان با قدرت بمب اتم مقایسه کرد. برخی دیگر بر این عقیده اند که وسایل ارتباط جمعی

تأثیر چندانی بر مخاطبین خود ندارد. به نظر این دسته از اندیشمندان «دوران سلطه» و وسایل ارتباطی و همراه با آن دوران رواج عقاید تند و اسناد دادنِ اثرات جادویی و خارق العاده به وسایل ارتباط جمعی پایان یافته است. برآیند نهایی و دوری از افراط گرایی این است که وسایل ارتباط جمعی و ابزار اجتماعی - فرهنگی به معنای عالی آن اثرات چشمگیری بر جای می گذارند، اما این اثرات نه آن چنان است که هیچ محدودیتی نشناسد، یا آن که چنان ناچیز است که هیچ اعتنایی را شایسته نباشد، باید دید حدود تأثیر این وسایل چیست و در چه شرایطی این تأثیرات محدودیت می یابند یا تقویت شدنی هستند؟ (محسنی ۱۳۸۷: ۴۵) با تمام این اقوال، آن چه بدیهی به نظر می رسد، آن است که به دور از آثار مثبت و منفی آن باید اذعان داشت که پیدایش دگرگونی های اجتماعی و تغییر ارزش های اجتماعی از مواردی است که در نتیجه ی کارکرد رسانه ها صورت تحقق به خود می گیرند. از سوی دیگر این وسایل در فرایند تهاجم فرهنگی و مقابله با آن، جنگ روانی، استعمار ملت ها در امر باز سازی و دستیابی به توسعه یافتگی، تحقق هدف های آموزشی به سرگرمی و غیره کاربرد مؤثری دارند. امروزه در عصر انفجار اطلاعات دیگر این حقیقت به خوبی اثبات شده است که از نظر کارکردهای آموزشی، رسانه ها سهم و نقش قابل ملاحظه ای در انتقال میراث فرهنگی و فکری بشری در میان ملل و انسان ها دارا هستند. در واقع با ظهور وسایل ارتباط جمعی پیشرفته، فرایند آموزش از انحصار مدرسه و آموزش گاه ها خارج شده و جهان پهناور به عرصه ی آموزش تبدیل گردیده است. در این فرایند وسایل ارتباط جمعی، محدودیت هایی از قبیل مکان و زمان، محدودیت سنی، محدودیت های اقلیمی و... از میان برداشته شده و در زمینه ی سیاست و حکومت، همان گونه که رسانه ها بر تصمیمات سیاست مداران و هیات حاکمه اثر می گذارند، به منزله ی ابزاری در دست حکومت ها دارای کاربرد و کارآمدی محوری هستند. با مراعات و لحاظ کردن جنبه های مثبت و منفی کارکرد رسانه های گروهی، این پدیده می تواند از یک سو سبب وحدت، همبستگی و وفاق ملی شود و از سوی دیگر حکومت ها می توانند از این پدیده در ایجاد همگونی، جهت

دهی افکار عمومی و هماهنگ سازی نظریات توده ی مردم و جامعه نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن استفاده کنند، به طوری که در نظام های استکباری، صدا و سیما و مطبوعات، ابزاری قوی و مؤثر برای بیعت گرفتن از مردم و جامعه می باشند. تا آن جا که از مطبوعات که مهم ترین و بارزترین وسایل ارتباط جمعی است به عنوان «رکن چهارم» یاد می شود. (همان)

بنابراین در تقسیم بندی سه گانه می توان کارآمدی این پدیده ها را در موارد ذیل مشاهده کرد:

۱- عامل انتقال ارزش ها و هنجارهای فرهنگی

۲- ساماندهی ارتباط خانواده و فرد با دنیای خارجی

۳- تاثیر گذاری بر نهادهای سیاسی اجتماعی جامعه.

بر این اساس حیات سیاسی اجتماعی بشر امروز به شدت تحت تاثیر رسانه های گروهی قرار دارد. با در نظر گرفتن این واقعیت مسلم که پیام های رسانه ها هرگز از جنبه های سازنده و مخرب خالی نبوده، ضروری است به مطالعه و بررسی پدیده ی ارتباطات و آثار و کارکردهای آن بیش از پیش پرداخته شود. اهمیت این کار از آن جهت است که رسانه های گروهی با کارکرد خود، و با استفاده از دو عنصر اطلاعات و پیام، به صورت امواج صوتی تصویری و غیره با هم در نو دیدن مرزها بر افکار و اذهان انسان ها اثر نهاده و به کنش ها و رفتارهای فردی و اجتماعی آن ها جهت می دهند. پیام هایی که در قالب امواج صوتی، تصویری و یا کتاب و یا مجله در جهان امروز انتشار می یابد در برخی موارد سبب ظهور و شکل گیری حوادث، رخدادها و رویدادهای سیاسی مهمی در واحدهای سیاسی و در عرصه ی کشورها و حتی جهانی می گردند. به عنوان مثال تولید و نمایش یک فیلم سینمایی، یا یک مقاله و یا یک کتاب که جنبه ی توهین به اعتقادات و باورهای دینی یک آیین را دارد، در فاصله ی کوتاهی به یک پدیده ی سیاسی مهم تبدیل می گردد. البته نباید فراموش کرد که علاوه بر عوامل و کارگزاران یاد شده، ممکن است

مردم تحت تاثیر عوامل دیگر جامعه پذیری مانند: گروه‌های مذهبی، سازمانهای جوانان و بعدها در زندگی تحت تاثیر شرکتها، کلوپها، جنبشهای سیاسی و غیره قرار گیرند. بدیهی است که تاثیر عوامل گوناگون جامعه پذیری همواره با هم سازگار نیستند بلکه غالباً ممکن است در تضاد با یکدیگر باشند. مثلاً، خانواده ممکن است ارزش‌هایی کاملاً متفاوت ارزش‌های محیط و گروه همسالان ارزش‌هایی کاملاً متفاوت از ارزشهای مدرسه داشته باشد. بدین ترتیب، جریان جامعه پذیری ممکن است در برخی جهات ناموفق باشد و مردم به شیوه‌هایی رفتار نمایند که قبلاً پیش‌بینی نشده و مورد نظر نبوده است. پس شخصیت و رفتار هرگز به طور کامل ثابت نیست، بلکه آنها تحت تاثیر تجربیات جامعه پذیری در طول زندگی تغییر می‌یابند.

بخش چهارم: جامعه‌پذیری مدرسه‌ای

یکی از جنبه‌های اصلی جامعه‌پذیری را می‌توان در قالب جامعه‌پذیری مدرسه‌ای قرار داد. بدین صورت که یکی از کارکردهای عمومی آموزش و پرورش، اجتماعی کردن افراد جامعه است و در این رابطه هدف جامعه‌پذیری، آموزش قواعد و نظامات اساسی، از آداب و عادات و رفتار روزمره گرفته تا روشهای علمی، به افراد است. (علاقه بند، ص ۹۸) یعنی در واقع استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانش‌ها و مهارت‌های آن به نسل‌های جدید منتقل شود. ساز و کار یا mechanism این انتقال در عصر جدید، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با جامعه‌پذیری است، یعنی، فراگردی که افراد از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و بطور کلی، فرهنگ جامعه خود می‌پردازند و به معنی اخص، فراگردی است که افراد به واسطه آن در وضعیت‌های اجتماعی سازمان یافته، در معرض آموزش منظم دانشها، مهارت‌ها، رفتارها و گرایشهای معین قرار می‌گیرند. (همان) در هر جامعه، این وضعیت‌ها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمان‌های رسمی آن تشکیل می‌یابند. اینگونه به نظر می‌رسد که در جامعه پیچیده

و متمدن امروزی، با گسترش شهرنشینی، توسعه صنعتی، دگرگون شدن ساختارها و کارکردهای سیاسی و اقتصادی، عواملی مثل خانواده که در گذشته بار تعهدات تربیتی را عهده‌دار بودند، دیگر اقتدار و نفوذ کافی برای ایفای وظایف پیچیده آموزشی و پرورشی ندارند. با پیچیده‌تر شدن جامعه، آموزش و پرورش بطور روزافزونی، به صورت ابزار بازسازی فرد و جامعه در می‌آید. در نتیجه، شهروندانی که خواستار اشتغال به کار و خدمت در جامعه و خواهان برخورداری از مزایای زندگی اجتماعی می‌باشند، مجبورند سالیان نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از عمر خود را در مراکز آموزش و پرورش رسمی بگذرانند، با هنجارها و ارزشهای اساسی جامعه خود که در قالب برنامه‌های اجرایی مدارس ارائه می‌شود آشنا گشته و ضمن درونی نمودن آنها با محیط زندگی خود سازگار گردند. عموماً این کارکرد مدرسه در قالب دو نوع جامعه‌پذیری صورت می‌پذیرد: الف) جامعه‌پذیری پایه، که شامل آموزش قواعد و نظامات اساسی جامعه، مقررات ساده و ارزشها و هنجارهای عام می‌باشد و ب) جامعه‌پذیری سیاسی که در آن فرد نسبت به جهان سیاسی خود آگاهی یافته و نحوه فهم حوادث سیاسی و نحوه قضاوت در مورد آنها را کسب میکند. فرد فرهنگ سیاسی مسلط بر جامعه خود را در خود درونی میکند. (هویت سیاسی) (شارع پور ۸۷ ص ۱۶۸)

بخش پنجم: مذاقه در جامعه‌پذیری مدرسه‌ای با تاکید بر نظام آموزش ایران

یکی از اهداف اصلی نظام رسمی آموزش و پرورش در ایران، اجتماعی کردن صحیح کودکان و نوجوانان است، زیرا رشد و تحول سریع در سایه اجتماعی شدن، سازگاری و برقراری ارتباط مطلوب با دیگران میسر است. از بین تمامی سازمانهایی که نقش کلیدی در اجتماعی کردن افراد دارند مدرسه اولین جایگاه رسمی تجربه جامعه‌پذیری کودکان است و در این زمینه نقش تعیین کننده دارد. براین اساس هرگونه تلاش در خصوص ایجاد و پرورش مهارتهای اجتماعی چه در برنامه درسی رسمی و یا در فعالیتهای فوق برنامه نمی‌تواند بدون ملاحظه روند رشد دانش آموز

باشد به ویژه آنکه سالهای حساس رشد اجتماعی مقارن با سنین مدرسه، اعم از دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان است. بنابراین مدرسه موظف است فرصتهای مناسب برای رشد اجتماعی و افزایش مهارتهای اجتماعی دانش آموزان فراهم نماید. در غیر اینصورت عدم کسب مهارتهای اجتماعی لازم (عدم جامعه پذیری مناسب) منجر به بروز مشکلات متنوع رفتاری خواهد شد. (فاتحی زاده: ۱۶۵: ۸۴)

بخش ششم: اهداف و ابعاد جامعه پذیری مدرسه ای

جامعه پذیری به عنوان کارکرد اصلی در برنامه کاری یک مدرسه در راستای تحقق اهداف زیر طراحی و پیش بینی شده است که عوامل اجرایی آن در مدارس (اعم از مدیر، معاونین، مربیان و معلمان و دانش آموزان) با طراحی برنامه های کاری سالانه و... خود در جهت رسیدن به این اهداف بایستی گام بردارند:

الف) آموزش قواعد و نظامات اساسی اعم از آداب و عادات و رفتار روزمره تا روشهای علمی به افراد

ب) ایجاد امید و آرزو و انگیزه لازم برای تحقق اهداف آموزشی و پرورشی در افراد به شیوه ای که آنها با میل و رغبت قواعد و نظم و انضباط را بپذیرا باشند

ج) ایجاد هویت لازم در افراد از طریق برآوردن خواستها، آرزوها و امیدها و سودهای فردی

د) آموزش نقشهای اجتماعی و نگرشها، انتظارات و گرایشهای وابسته به آن

ه) آموختن مهارتهای لازم اعم از خواندن و نوشتن و حساب کردن تا مهارتهای اساسی زندگی (علاقه بند: ۱۰۸، ۱۳۷۰ تا ۱۱۰)

واقعیت غیرقابل انکار این است که مدرسه از اساسی ترین عناصر رشد اجتماعی است و اولیاء مدرسه باید از ارتباط بین جامعه پذیری مدرسه ای در قالب مهارت های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی با تربیت پنهان که همه جا وجود دارد و باعث یادگیری رفتارهای نامطلوب می شود آگاه باشند. چرا که امروزه داشتن مهارت های اجتماعی رکن لازم و اساسی زندگی اجتماعی بوده و فقدان آن می تواند آسیب های فردی و اجتماعی فراوانی را برجای گذارد لذا مدارس نقش بسیار مهمی در این زمینه می توانند ایفا نمایند. (مجله روانشناسی ۳۴:ص ۱۶۸) بنابراین امروزه داشتن مهارت های اجتماعی و جامعه پذیر کردن صحیح افراد مبنای لازم و ضروری زندگی اجتماعی بوده و فقدان آن باعث آسیب های فردی و اجتماعی فراوانی می گردد. در این راستا مدارس به عنوان یکی از ارکان اصلی و اساسی اجتماعی نمودن دانش آموزان در خصوص این مهم وظایف متعددی را بر عهده داشته که در دوره دبیرستان که خروجی آموزش و پرورش در طول آن صورت می گیرد نمود بیشتری پیدا می کند. بنابراین برای جامعه پذیری مدرسه ای، براساس اهداف مطرح شده در آیین نامه وزارت آموزش و پرورش ایران مصوب شورای عالی آموزش و پرورش و برطبق نظرات پژوهشگران مختلف ابعاد زیر قابل بررسی و تامل می باشند:

- ۱- مهارت های ارتباطی (مهارت های کلامی، غیر کلامی، فرازبانی، برقراری ارتباط و....)
- ۲- مهارت های جرئت ورزی (توان «نه» گفتن، بیان نیازهای خود، شناسایی حقوق خود و دیگران، انتقاد و انتقاد پذیری، بیان احساسات و عقاید خود و....)
- ۳- مهارت های مربوط به پرورش حس همکاری، مسئولیت پذیری و نودوستی (همکاری در مدرسه، خانه و اجتماع)
- ۴- مهارت های خودگردانی (مراقبت از خود هویت یابی، اداره امور مالی خویش و...)
- ۵- مهارت های درک اجتماعی و شناسایی ارزش های جامعه

۶- مهارت‌های مربوط به آشنایی با قوانین اجتماعی و استفاده از سرویس‌های اجتماعی

۷- مهارت‌های شغل یابی و حفظ شغل

۸- مهارت‌های پرکردن اوقات فراغت

۹- مهارت‌های مقابله ای (جلب حمایت دیگران، ورزش و تربیت بدنی و تلاش در جهت استقلال مادی و معنوی آشنایی با روش حل مسئله و اصلاح باورهای غلط و...) (فاتحی زاده و همکاران ۸۴)

نتیجه گیری

جامعه پذیری مدرسه ای به عنوان یکی از اهداف عمده آموزش و پرورش در هر جامعه ای که بدنبال تثبیت و بازسازی و نهادینه نمودن فرهنگ، ارزشها و هنجارها و مقررات در افراد آن جامعه می باشد معرفی و مهم جلوه داده شده است. این موضوع تا آنجا اهمیت داشته که بسیاری از صاحب نظران از جمله دورکیم آموزش و پرورش را چیزی جز جامعه پذیری دانش آموزان ندانسته اند چرا که در قبال این نهاد است که به قول پارسونز انتقال فرهنگی از نسلی به نسل دیگر صورت می پذیرد. البته در این راستا نباید فراموش نمود که در جامعه کنونی تحولات تکنیکی فراوانی که در بروز و ظهور تکنولوژیهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی صورت پذیرفته به نوعی کار سنتی جامعه پذیری را در جوامع مختلف به چالش کشانده اند. به قول کاستلز فرآیند جهانی شدن از یک طرف با گسترش رسانه ها، فرهنگ را از حیطه دستکاری و نفوذ دولتها خارج نموده و از طرف دیگر با برجسته شدن بسیاری از هویت‌های خاص گرایانه در داخل هر کشور هویتها و خرده فرهنگ‌های متعددی را تولید نموده اند که نقش رسمی دولتها را در این خصوص به چالش کشانده اند.

- ۱- استور، ویلیام جیمز (۱۳۷۵) فنآوری اطلاعات در جهان سوم. مترجمان رضا نجف‌بیگی، اصغر صراف‌زاده. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲- استیون، وایت (۱۳۸۰). خرد، عدالت و نوگرایی. ترجمه محمد حریری اکبری. تهران: قطره.
- ۳- اسلوین، ج (۱۳۸۰) اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیلوریو و علی رادباوه، تهران، نشر کتابدار
- ۴- اولسون، دیوید (۱۳۷۷). رسانه‌ها و نمادها: صورت‌های بیان، ارتباط و آموزش. ترجمه محبوبه مهاجر. تهران: سروش.
- ۵- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۸). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
- ۶- بلیک، رید و هارولدسن، ادوین (۱۳۷۸). طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: انتشارات سروش.
- ۷- پیوزی، مایکل (۱۳۷۹). یورگن هابرماس. ترجمه احمد تدین. تهران: هرمس.
- ۸- تامپسون، جان بروکشایر (۱۳۷۹). رسانه‌ها و نوگرایی: نظریه‌ای اجتماعی درباره رسانه‌ها. علی‌اثاری کسمایی. تهران: انتشارات موسسه ایران.
- ۹- سورین، و تانکارد، ج (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۱۰- ساروخانی، باقر (۱۳۷۸) جامعه شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

۱۱- شریعتمداری، علی (۱۳۷۸) فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات سمت

۱۲- شارع پور (۱۳۸۷) جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات دانشگاه

۱۳- دواس، اچ دی، (۱۳۸۳) پیمایش در علوم اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائی، تهران، نشر نی

۱۴- ریتزر، جورج (۱۳۷۸)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: علمی

۱۵- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۷) مطالعات تلفن همراه، تهران، سمت

ب) مقالات

۱- ابراهیمی، قوام (۱۳۷۳)، رابطه بین رشد اجتماعی با میزان دریافت انواع حمایت اجتماعی :

نشریه پژوهش، شماره ۳۸ (پژوهشکده تعلیم و تربیت ۱۳۸۴) از صفحه ۱۳ تا صفحه ۲۶

۲- ایزدی، راحله (۱۳۸۶) پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان، بررسی رابطه هیجان خواهی با میزان

استفاده از پیام کوتاه تلفن همراه، استاد راهنما دکتر مرتضی منطقی، دانشگاه تربیت معلم کرج

۳- ایران پور، پرستو (۱۳۸۹) پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان میزان سواد رسانه ای و نقش آن

در استفاده از رسانه های تعاملی، استاد راهنما دکتر میررضا حسینی پاکدهی، دانشگاه علامه

طباطبایی

۴- ایمانلو، منوچهر (۱۳۸۴) پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی عوامل موثر بر جامعه

پذیری شهروندی، استاد راهنما دکتر سعید ذکایی، دانشگاه علامه طباطبایی

۵- حسنی، محمد حسین(۱۳۸۲)پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی رابطه بین استفاده از اینترنت و گرایش دانشجویان به ارزشهای سیاسی،استاد راهنما دکتر محمد عبدالهی، دانشگاه علامه طباطبایی

۶-دوران، بهزاد(۱۳۸۳)تاثیر اینترنت بر هویت همالان،فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات،شماره ۵(سال دوم)از صفحات ۲۳ الی ۳۲

۷-زنجانی زاده،هما،جوادی، محمد(۱۳۸۴)بررسی تاثیر اینترنت بر ارزشهای خانواده در بین دانش آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد،مجله جامعه شناسی ایران،شماره ۲(دوره ششم) از صفحات ۲۱ تا ۳۵

۸- زارعی، عادل (۱۳۸۷)پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان رابطه بین بازیهای رایانه ای با مهارتهای اجتماعی دانش آموزان شهر پاریسیان،استاد راهنما دکتر مسعود غلامعلی لواسانی، دانشگاه تهران

۹- شعبانی، یعقوب (۱۳۸۵)پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان تاثیر اینترنت بر نگرشهای فرهنگی و اخلاقی دانشجویان دوره کارشناسی،استاد راهنما دکتر پوراندهخت فاضلیان،دانشگاه تربیت معلم کرج

۱۰- شعبی، محیا (۱۳۸۹)پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی رابطه میان الگوی استفاده از اینترنت و هویت ملی، استاد راهنما دکتر سید کمال الدین موسوی، دانشگاه شاهد



جهاد دانشگاهی



Academia.edu



TPBIN.com



CiteFactor



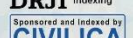
Symposia



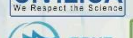
JREF.IR



DRJI



CIVILICA



CONF PAPER



ESJJI



IOWORLD OF JOURNALS



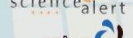
BahaMayesh.com



ScienceAlert



easyPapers



QDXP



INDEX COPERNICUS



Konferansiyab

موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان)
(موسسه بین المللی icsi world of journals/ورشو/لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor/فینیکس/آریزونا)
برگزار می کند:

همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

محورها همایش:

- * مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲







به ۵۵ مقاله برتر و برگزیده همایش، ۵۵ تقدیب به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می گردد. به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد. تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردند. داوری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.

تقویت رزومه داوطلبان آزمون دکتری اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دیرخانه: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲
واحد پذیرش مقالات:
۰۲۱-۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶
واحد صدور گواهی نامه:
۰۲۱-۴۴۴۴۱۷۶۴ و ۸۴
مشاور و راهنمای ارسال مقالات:
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ و ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir www.Olomensani.ir